

دو فصلنامه تفسیر پژوهی

سال سوم، شماره ششم

پاییز و زمستان ۹۵

صفحات ۱۳۷-۱۵۸

معناشناسی «قول حسن» در قرآن کریم*

حمید محمدی راد**

حبیب فرخی نیا***

چکیده

نعمت گفتار، اصلی‌ترین وسیله ارتباط بین انسان‌ها و طبیعی‌ترین راه بیان انتقال اندیشه‌ها و مقاصد آدمی است. اما این نعمت و توانایی خدادادی، هم می‌تواند در مسیر حق به کار گرفته شود و هم در مسیر باطل؛ لذا، انسان با گفتار نیکو و حق می‌تواند سعادت خود را در هر دو جهان به دست آورد و بر عکس با سخن نکوهیده و باطل موجب خواری خود در دنیا و عذابش در آخرت گردد. این دلیل، انسان را ملزم می‌نماید تا همواره سخنی بگوید که تأثیر مثبت در اندیشه، کلام و کردار خود و دیگران داشته باشد. قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به خوبی، این ویژگی‌ها را برای گفتار نیک و اثر بخش بیان داشته است. پژوهش حاضر با استفاده از این دو گوهر گرانبها اقسام قول حسن و آثار فردی و اجتماعی آن را بیان کرده تا در زندگی روزمره بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، قول حسن، آثار قول حسن.

*- تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۱۳

hamidrad35@gmail.com

** هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مراغه)

h.farokhi99@gmail.com

*** کارشناس ارشد علوم قرآن مجید

۱. مقدمه

از آنجایی که انسان، موجودی اجتماعی است و در جهت رفع نیازهایش، با دیگران در ارتباط است؛ بر این اساس، می‌تواند به انتقال آراء و افکار و توانمندی‌های خود بپردازد و دیگران را تحت تأثیر قرار بدهد؛ لذا برای وی برقراری ارتباط با دیگران از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ چرا که به وسیله همین ارتباط گفتاری است که باب علم به وسیله آن گشوده و نادانسته‌های انسان، بدل به شناخت و دانسته می‌گردد.

در مورد ارزش سخن، همین بس که خداوند بزرگ در قرآن مجید پس از آفرینش انسان؛ مهمترین موضوع را اعطای نیروی بیان می‌داند و کلام گهربار الهی که خود معجزه‌ای از سنخ بیان و گفتار است و انسان‌های بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داده، بهترین دلیل بر اهمیت سخن و گفتار اثربخش است.

بنابراین انسان اگر بخواهد از این نیروی خدادادی به بهترین وجه و صورت ممکن برای تفهیم استفاده کند، باید با شناخت و رعایت جوانب دقیق گفتار، آن را به صورت اثربخش و بجا در زندگی خود قرار دهد و در این راه لازم است با گفتار نیک، خود را تربیت و پرورش دهد. قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به خوبی این ویژگی‌ها را برای گفتار نیک و اثر بخش بیان داشته است. مقاله حاضر در صدد آن است با استفاده از این دو گوهر گرانبها، برخی از معانی و مفاهیم اقوال حسن و همچنین آثار فردی و اجتماعی آن را بیان کرده تا با شناخت بیشتر، در یک همزیستی آرام، صمیمی و مسالمت آمیز، مورد استفاده واقع شود.

۲. هدف تحقیق

مهمترین هدف تحقیق حاضر، بررسی وجوه مختلف لغوی و معنایی قول حسن و نیکو در قرآن کریم است. از این رهگذر، تلاش می‌شود به شکل تحلیلی و کتابخانه‌ای

معناشناسی «قول حسن» در قرآن کریم ۱۳۹

ابتدا قول حسن از نظر کتب لغت و ذکر مصادیقی از آیات بررسی و سپس با مراجعه به تفاسیر دانشمندان بزرگ و صاحب نظر، پردازش و نتیجه گیری لازم صورت گیرد.

۳. پیشینه پژوهش

با بررسی که توسط نگارنده صورت گرفت، مقاله ای که به شکل منحصر به وجه مختلف لغوی و معنایی اقوال حسن در قرآن کریم پرداخته باشد، یافت نشد؛ اما در متون تفسیری، معاجم مختلف لغوی، قرآنی و ... به تناسب آیات و مواد قرآنی، توضیحاتی درباره این اقوال دیده می شود؛ لذا نگارنده در مواقع لزوم، از این دریافت ها سود برده، تحلیل و جمع بندی لازم را به عمل آورده است.

۴. مفهوم شناسی

لغت پژوهان واژه گفتار را به معنای «قول، سخن، حدیث، مقال و کلام» آورده اند. (دهخدا، ۱۳۴۸ ش، ۱۵: ۴۶۵)

در قرآن کریم واژه های مختلفی مرتبط و مترادف با گفتار هستند؛ همچون ریشه کلمه های؛ قول، حدث، لفظ، نطق، کلم و ... اما هر یک از این ریشه ها، کاربرد مخصوص دارد، که با سایر موارد متفاوت است.

اما قول معنای عام تری دارد و از نظر مفهومی، دامنه بیشتری را به خود اختصاص می دهد. واژه قول در زبان فارسی به معنی سخن به کار می رود، و تنها به جنبه لفظی آن اشاره دارد که بر زبان جاری می شود؛ در حالی که در زبان عربی، معانی متعددی برای آن بیان گردیده است. راغب اصفهانی موارد استعمال قول را این گونه بیان می کند:

۱- از بارزترین این موارد گفته‌اند؛ «قول» مرکب از حروفی است که با تکلم، آشکار می‌شود. خواه آن سخن، مفرد و خواه جمله باشد و گاه هر کدام از انواع سه گانه کلمه اسم، فعل و حرف، قول خوانده می‌شود؛ همچنان که احیاناً قصیده، خطبه و مانند این دو نیز به «قول» معروف هستند.

۲- قول نفسی و باطنی، یعنی سخنی که در دل بگذرد قبل از آنکه ابراز شود؛ چنان که می‌گویند: «فی نفسی قول لم اظهره» یعنی در دل چیزی دارم که اظهارش نکردم.

۳- سخن تکوینی و تسخیری، برای اعتقاد محض تعبیر می‌شود مانند اینکه می‌گویند: «فلان يقول بقول ابي حنيفة» یعنی فلانی به نظر ابوحنیفه معتقد است.

۴- قول در معنی توجه درست به امری، مثل اینکه بگویی: «فلان يقول كذا» یعنی او به درستی به آن توجه می‌کند.

۵- قول را علمای منطق به معنای حدوت‌تعریف به کار می‌برند؛ مثلاً می‌گویند: «قول الجوهر كذا» یعنی تعریف جوهر این است.

۶- گاهی قول به معنی الهام است. مانند «قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْ تُعَذَّبَ، گفتم: ای ذوالقرنین یا [اینان را] عقوبت می‌کنی». (کهف / ۸۶) (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ ش، ماده قول)

قول در قرآن در وجوهی به کار رفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- سخن معمولی و متداول: «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أذى؛ سخن خوش [با نیازمندان] و گذشت، از صدقه‌ای که آزاری در پی دارد بهتر است». (بقره/ ۲۶۳)

۲- قول نفسی و باطنی: «وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ؟ و در دل خود می‌گویند: [اگر این پیامبر است] چرا خدا ما را بدانچه می‌گوییم عذاب نمی‌کند». (مجادله / ۸)

معناشناسی «قول حسن» در قرآن کریم ۱۴۱

۳- قول لفظی و عملی: قول در این معنی فقط تلفظ و به زبان آوردن نیست؛ بلکه ضمن تلفظ، باید با اعتقاد و اذعان و عمل همراه باشد؛ مثل آیه «قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم». (بقره/۱۵۶)

۴- اجابت تکوینی: مانند آیه (...فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ انْتَبِیَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ) (فصلت/۱۱) [پس به آفرینش آسمان پرداخت در حالی که به صورت دود بود]، سپس به آن و زمین دستور داد به وجود آید (و شکل گیرید) خواه از روی اطاعت و خواه اکراه، آنها گفتند: ما از روی طاعت می آییم». مسلم است که زمین و آسمان فرمان خدا را اجابت کرده اند و آن با «قالتا» تعبیر شده است.

۵- وعده عذاب: «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» وعده عذاب بی شک درباره اکثرشان تثبیت شد، پس ایمان نخواهند آورد». (یس/۷) و یا در آیه دیگر می فرماید: «فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» پس عذاب الهی بر آنها محقق می گردد و آن را یکسره در هم می کویم». (اسراء/۱۶)

اقسام قول حسن

در قرآن کریم، «قول حسن» با تعبیرهای متعددی به کار رفته است که توام با آثارشان به آنها پرداخته می شود:

۱- قول معروف

قول معروف در لغت از نظر مفسران به معنای چیزی است که شناخته شده نزد عقل و فطرت مردم است؛ چرا که مردم، کارهای نیک و حق را طبق فطرت پاک خویش می شناسند و برای آنها کارهای زشت، ناپسند و باطل ناآشناست. راغب می گوید:

«معروف، اسم است برای هر عملی که از نظر عقل یا شرع، حُسن آن، معلوم و شناخته شده باشد.» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ماده معروف) ابن فارس هم به این معنا در کتاب خود اشاره نموده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ماده معروف)

محمد جواد بلاغی در مورد قول معروف در آیه شریفه «وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء/۸) چنین بیان فرموده‌اند: «و اگر به هنگام تقسیم ارث (خویشاوندان و طبقه‌ای که ارث نمی‌برند) و یتیمان و مستمندان حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آن‌ها بدهید و با آنان به طور نیکو و به دور از خشونت سخن بگویید.» (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ۳۰:۲) همچنین مفسری دیگر در ذیل آیه شریفه فوق، مقصود از قول معروف را سخن دلنشین و شایسته‌ای تعریف می‌کنند که هم کمبود روانی آنها را بر طرف می‌سازد و هم به رشد عقلی آنها کمک می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش، ۲: ۲۷۶)

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ ارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَ اكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء/۵) چنین فرموده‌اند: «اموال خود را که خداوند، وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آن‌ها روزی دهید و لباس بر آنان بپوشانید و با آنان معاشرت و رفتاریک داشته باشید.» (طباطبایی، ۱۳۷۳ش، ۴: ۲۷۰)

همچنین در ذیل آیه شریفه «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ» (بقره/۲۶۳) فرموده‌اند: «گفتار پسندیده در برابر نیازمندان و عفو و گذشت از خشونت‌های آن‌ها از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است و خداوند، بی‌نیاز و بردبار است.» و نیز گفته‌اند: «قول معروف» گفتاری است که عقل و عرف، آن را به خوبی دریابد؛ مانند راه حق، عزت و شرف. (طالقانی، ۱۳۴۵ش، ۲: ۲۳)

۱-۱ آثار قول معروف

از آثار قول معروف می‌توان به خودسازی، دور بودن از بیماری‌های اخلاقی، تفکر و سنجش عمل اشاره نمود. مفسری معاصر در این مورد می‌فرماید: «این مثلی است که خدای تعالی آن را برای کسانی زده که مال خود را در راه خدا اتفاق می‌کنند، ولی با منت نهادن و اذیت کردن، پاداش عمل خود را ضایع می‌نمایند و دیگر راهی به بازگرداندن آن عمل باطل شده به عمل صحیح را ندارند، و انطباق مثل با ممثل بسیار روشن است؛ برای اینکه اینگونه رفتارها که اعمال آدمی را باطل می‌سازد، بی‌جهت و بی‌منشا نیست. کسانی اینطور اجر خود را ضایع می‌کنند که در دل دچار بیماری‌های اخلاقی از قبیل مال دوستی، جاه دوستی، تکبر، عجب، خودپسندی، بخل شدید و... هستند؛ بیماری‌هایی که نمی‌گذارد آدمی مالک نفس خود باشد، و مجالی برای تفکر و سنجش عمل خویش و تشخیص عمل نافع و مضر را بدهد، و اگر مجال می‌داد و آدمی تفکر می‌کرد، هرگز به چنین اشتباه و خطی مرتکب نمی‌شد.» (محمدری شهری، ۱۳۷۷ش، ۸: ۲۶۵) همچنین مکارم شیرازی اثر قول معروف را در تفسیر ذیل آیه «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ» (بقره/۲۶۳) فرو کاستن عقده‌ها و فشارهای درونی فقرا دانسته و چنین بیان می‌کند: «آنها که بر اثر هجوم گرفتاری‌ها، پیمانه صبرشان لبریز شده و گاهی بدون هیچگونه تمایل درونی، سخنان خشونت آمیزی بر زبان جاری می‌سازند. این افراد در واقع از اجتماع ظالمی که حق آنها را نداده، به این وسیله می‌خواهند انتقام بگیرند و کمترین جبرانی که اجتماع و افراد متمکن در برابر محرومیت آنان می‌توانند بکنند، همین است که سخنان آنها را که جرقه‌های آتش درون آنان است، با تحمل بشنوند و با ملایمت خاموش سازند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش، ۲: ۳۲۱)

۲- قول حسن

حسن در لغت، جمع حسان، وصف بوده و به معنی زیبا و نیکو است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ماده حسن) و اما قول حسن در قرآن کریم یک بار در آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» با مردم، نیکو سخن بگویید» (بقره/۸۳) آمده است. سخن خوب و کلام نیک به گفته اهل فن، به هنگام معاشرت و رودررویی با مردم، بسیار مهم و اثر بخش خواهد بود و در این آیه، چند نکته قابل توجه است:

۱- کلمه «قولوا» فعل امر است؛ یعنی: خداوند، سخن گفتن به روش نیکو را ضرورت و فریضه دانسته‌اند.

۲- کلمه «لِلنَّاسِ» اسم جنس و شامل همه مردم است؛ اعم از خویشاوند و بیگانه، مسلمان و کافر و متقی و فاجر. (طباطبایی، ۱۳۷۳ش، ۱۲۱۹)

۳- کلمه «حُسْنًا» با ضم حاء، به جای «حَسَنًا» جهت مبالغه در کلام است، و مقصود این است که هنگام برخورد با مردم، چنان سخن بگویید که کلامتان نمود و سنبل زیبایی باشد. این هدف وقتی محقق می‌شود که کلام از بیماری درونی (سستی و بی‌دلیلی) و بیرونی (فحاشی، تند زبانی) منقح باشد. (صافی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۱۸۰)

به طور کلی دیدگاه مفسران در این خصوص به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- برخی قول را به معنی گفتار و سخن گرفته و مراد از «قول حسن» را سخن نیکو دانسته‌اند؛ مانند طبرسی که در این باره می‌گوید: «قول حسن» یعنی سخنی نیکو که از شدت نیکی، گویا خود نیکی است. (طبرسی، ۱۳۷۸ش، ۱: ۱۱۷) طبرسی در جای دیگر، وجوه سه گانه‌ای را از حسن بصری، ابن عباس و سفیان ثوری به این ترتیب نقل می‌کند:

معناشناسی «قول حسن» در قرآن کریم ۱۴۵

الف- سخن زیبا و اخلاق نیکو ب- امر به معروف و نهی از منکر ج- قول معروف (طبرسی، ۱۳۷۸ش، ۱: ۲۹۸)

۲- بعضی هم مانند علامه طباطبایی و مرحوم سبزواری نجفی آن را به معنای رفتار، معاشرت و خلق نیکو دانسته‌اند که طبق این احتمال، کلمه قول در آیه شریفه، در همان معنای کنایی به کار رفته است؛ نه معنای حقیقی خود. (طباطبایی، ۱۳۷۳ش، ۱: ۳۳۰، سبزواری، ۱۴۲۹ق، ۱: ۱۸)

۱-۲ آثار قول حسن

یکی از آثار قول حسن، خشنودی و رضای خداوند است که بر بنده نیکو گفتار، شامل می‌شود؛ چندانکه در کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق، از امام باقر (ع) روایت شده، که فرمودند: به مردم چیزی را بگوئید، که بهترین سخنی باشد که شما دوست می‌دارید؛ به شما بگویند؛ چون خدای عزّ و جلّ دشنام و لعنت و طعن بر مؤمنان را دشمن می‌دارد، و کسی را که مرتکب این جرائم شود، فاحش و مفحش باشد و در یوزگی کند، دوست نمی‌دارد و در مقابل، اشخاص باحیا و حلیم و عقیف و آنهایی را، که می‌خواهند عقیف شوند، دوست می‌دارد. (صدوق، ۱۳۶۱ش، ۱: ۱۲۱)

طالقانی آثار قول حسن را عام دانسته که موجب همه خوبی‌ها و وحدت همه انسان‌ها است. ایشان فرموده‌اند که: «کلمه احسان، جامع حقوق طبیعی است که خداوند بعد از فطرت، در نهاد آدمی قرار داده و با وثیقه دستور و تشریع، بر آن میثاق گرفته و همین رشته‌های رابطه محکم، حق عملی و مربوط به هسته نخستین اجتماع است که والدین و اقارب، آنگاه که یتیم و مسکین باشند. پس از میثاق یکتاپرستی و احسان، میثاق با عامه مردم است: (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) که از

کانون‌های عبادت خداوند و احسان به خانواده با شعاع وسیع‌تری، باید خیر و صلاح بدیگران رسد. کسانی که عامل به احسانند، باید حسن را درک کنند و خود متصف بآن باشند؛ زیرا احسان با حسن همان به قدر الف زائد فرق دارد، که آن رساندن نیکی و این اتصاف و ظهور و بروز آن است. (طالقانی، ۱۳۴۵ش، ۱: ۲۱۵)

۳- قول احسن

احسن در لغت به معانی خوش‌ترین، نیکوترین و بهترین آمده است. مصدر آن حُسْنی و جمع آن أَحْسَن و اسم تفضیل از الحَسَن است. گاهی نیز این کلمه را مصغر نموده و آن را «أَحْسِن» گویند؛ مانند: «ما أَحْسِنَ زَيْدًا» چقدر زید خوب است؛ یا «ما أَحْسَنَهُ» چه زیباست یا «هُوَ أَحْسَنُ حَالًا» او در وضع بهتری از آنهاست. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ماده حسن) همچنین قرآن بیان می‌دارد: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، و به بندگانم بگو آنچه را که بهترین است بگویند. (اسراء، ۵۳) و با این تعبیر نیز همه را مورد خطاب قرار می‌دهد که با مردم به نیکی سخن بگویند، و اما در مورد قول احسن، یک مطلب مهمی مطرح است که از مصادیق سخن نیکوست و آن از بین بردن زمینه اختلاف و فتنه است که در این آیه آمده است: «به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم می‌زند؛ زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.» براساس این آیه شریفه؛ خداوند به مومنان فرمان می‌دهد سخن نیکو گویند تا میان آنها اختلاف نیفتد و این یکی از آثار مهم گفتار نیکوست. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که در آیه فوق، کلمه «بهترین» را هم می‌توان صفت برای سخن قرار داد و هم می‌توان برای چگونگی «ارائه سخن» به حساب آورد. در مورد «قول احسن» در آیه شریفه آمده است «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا

معناشناسی «قول حسن» در قرآن کریم ۱۴۷

مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ و کیست خوش گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: من از مسلمانانم. (فصلت/۳۳) صاحب تفسیر نمونه هم قول احسن را به قولی تفسیر نموده است که در آن، دعوت به سوی حق، توأم با عمل صالح و تسلیم در برابر اوامر الهی باشد؛ یعنی سخنی که بهترین از نظر محتوا، بهترین از نظریات و بهترین از نظر توأم بودن با فضائل اخلاقی و روش‌های انسانی باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ش، ۱۷: ۴۴۷)

۳-۱ آثار قول احسن

چنانچه پیش‌تر اشاره شد، از منظر قرآن کریم یکی از آثار مهم قول احسن که در ضمن از مصادیق سخن نیکو نیز شمرده می‌شود، از بین بردن زمینه اختلاف و فتنه است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا؛ و به بندگان من بگو سخنی را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم می‌زند، بی‌تردید شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است». (اسراء/۵۳) بر اساس این آیه، خداوند به مؤمنان فرمان می‌دهد سخن نیک گویند تا میان آنان اختلاف نیفتد. خداوند هنگامی که حضرت موسی (ع) و برادرش را به سوی فرعون روانه می‌کرد، فرمود: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ و با او سخنی نرم بگویند، شاید پند گیرد یا بترسد». (طه/۴۴) از سوی دیگر، اگر سخن گفتن، تند یا بلند و گوش‌خراش باشد، نه تنها نشانه بی‌ادبی است، بلکه گوش شنونده را آزار می‌دهد و او را از گوینده، متوجه سوی دیگر می‌کند. آداب اسلامی هم حکم می‌کند انسان، گفتاری نیکو داشته باشد و از گفتن هر

سخن ناروایی پرهیزد و قرآن همچنین می‌فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ با مردم نیکو سخن بگویید». (بقره/۸۳) و در آیه‌ای دیگر بیان می‌دارد: «قُلْ لِّعِبَادِي يَتَّقُوا اللَّهَ هِيَ أَحْسَنُ؛ به بندگانم بگو آنچه را که بهترین است، بگویند». (اسراء/۵۳) در حقیقت، گفتار نیکو، روش انسان‌های نیکو و با ادب و گفتار زشت و ناروا، روش انسان‌های فرومایه و بی‌ادب است. آن کس که خود را به روش نیکوگفتاری عادت دهد، همواره پیروز است و خود را از سرزنش دیگران برکنار داشته است. (جوادی آملی، ۱۳۶۴ش، ۳: ۱۷)

۴- قول سدید

سدید صفت مشبیه و از بن «سَدَد» است که با ادغام دو دال در یکدیگر «سَدَّ» نوشته و خوانده می‌شود. لغت‌شناسان در واژه «سَدَّ» معانی متعددی نظیر: ترمیم مستحکم شکاف‌ها، حایل بین دو چیز، پایداری، و مقاومت را ذکر کرده‌اند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۹ق، ماده سد)

با دقت در آرای لغت‌شناسان می‌فهمیم که به هر حایل مستحکم بین دو چیز «سَدَّ» گفته می‌شود. تحقق این معنا به حسب تفاوت موضوع‌هایش مختلف می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ماده سد) بنابراین سخن، سدید سخنی است که از نظر استدلال‌پذیری و استدلال‌آوری، مستحکم باشد که شبهه افکنی‌ها بنیانش را از بین نبرند. همچنین، بتواند بین افکار مردم و سخنان باطل قرار بگیرند تا افکار، مسموم نگردند. مصداق بارز قول سدید، همان حق‌گویی است که تمام ویژگی‌های مثبت را دارد و هیچ خصوصیت منفی را ندارد. این تعبیر در دو آیه قرآن آمده است: ۱- «فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ پس باید از خدا پروا کنید و سنجیده سخن

معناشناسی «قول حسن» در قرآن کریم ۱۴۹

بگویند». (نساء/ ۹) ۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و سخن صواب گویند». (احزاب/ ۷۰) در این دو آیه مبارکه، خداوند به دو امر اساسی در کنار یکدیگر دستور می‌دهد: یکی تقوای الهی و دیگری سخن سدید و استوار. این نشان می‌دهد که گفتار انسان، تاثیر ویژه‌ای در رسیدن او به سعادت دارد؛ به گونه‌ای که در ردیف تقوای الهی و پروا داشتن از خداوند بیان شده است.

قول سدید در آیه اخیر، به معنی: گفتار محکم و استوار و خلل ناپذیر و موافق حق و واقع است؛ سخنی است که همچون یک سد محکم، جلو امواج فساد و باطل را می‌گیرد؛ اگر چه بعضی از مفسران آن را به معنی «صواب» (طیب، ۱۳۷۸ ش، ۲۱: ۴) و بعضی به معنی «خالص بودن از کذب و لغو» (زمخشری، ۱۴۱۶ ق، ۱: ۹۲) یا «هماهنگ بودن ظاهر و باطن» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ش، ۱۷: ۴۶۷) یا «اصلاح و ارشاد» (طباطبایی، ۱۳۷۳ ش، ۱۶: ۳۱۶) و مانند آن تفسیر کرده‌اند. آیه مورد بحث، مومنان را به قول سدید و گفتار حق، سفارش می‌کند و در آیه بعد، نتیجه «قول سدید» و سخن حق را چنین بیان می‌فرماید: «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا؛ تا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بر شما ببخشد و هر که خدا و رسولش را اطاعت کند، قطعاً به کامیابی بزرگی رسیده است». (احزاب/ ۷۱) بنابراین، «اصلاح اعمال» و «مغفرت ذنوب» نتیجه قول سدید دانسته شده است.

۴-۱ آثار قول سدید

چنانچه پیش‌تر اشاره شد، قرآن کریم دو اثر مهم قول سدید را با صراحت نام برده است که عبارتند از:

۱- اصلاح رفتارها و اعمال آدمی ۲- بخشوده شدن گناهان

طبق ظاهر آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِغِ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب، ۷۱-۷۰) دو اثر ذکر شده از آثار تقوا و سخن نیکو است؛ ولی به هر حال، سخن نیکو به عنوان یکی از دو عامل، می‌تواند در اصلاح اعمال و بخشایش گناهان مؤثر باشد. یکی از مفسران بزرگ معاصر به این پرسش که چگونه سخنان نیکو سبب اصلاح رفتار آدمی و بخشوده شدن گناهان می‌گردد، چنین پاسخ می‌دهد: این بدان جهت است که اگر نفس آدمی به راستی عادت کرد و به هیچ وجه آن را ترک نکرد، دیگر دروغ از او سر نمی‌زند، سخن لغو و یا سخنی که فساد از آن بر خیزد از او شنیده نمی‌شود. وقتی این صفت در نفس رسوخ یافت، بالطبع از فحشاء و منکر و سخن لغو دور گشته، در چنین وقتی، اعمال انسان صالح می‌شود و بالطبع از عمری که در گناهان مهلك صرف کرده، دریغ می‌خورد و از کرده‌ها پشیمان می‌گردد و همین پشیمانی توبه است؛ و وقتی توبه کرد و خدا هم در مابقی عمر از ارتکاب گناهان مهلك محافظتش فرمود، دیگر گناهان کوچک خیلی خطری نیست؛ چون خود خدا وعده داده که اگر از گناهان کبیره اجتناب کنید، ما صغیره‌هایتان را می‌آمرزیم و در نتیجه، ملازمت قول سدید، انسان را به سوی صلاح اعمال کشانیده و به اذن خدا به آمرزش گناهان منتهی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۳ش، ۶: ۵۲۳)

۵- قول لین

کلمه «لین» در لغت به معنی نرمی، و ضد خشونت آمده است و در اصل، برای اجسام است و به طور استعاره در مورد خلق و سایر معانی آمده است. (راغب اصفهانی،

۱۳۸۸ش، ماده لین)، در مورد قول لین در آیه شریفه: «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ *فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه، ۴۴-۴۳) چنین آمده است: «بسوی فرعون بروید که طغیان کرده است؛ اما به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود یا از خدا بترسد.» در این زمینه، لازم است بر خورد قرآن مجید با گنه‌کاران و طاغیان بررسی شود تا راه بر خورد با اهل معصیت بر همگان روشن شود. اولاً روش قرآن و دین اسلام تا جایی که امکان جذب است و دشمن آن را دلیل بر ضعف بشمارد و بر جرأت و جسارتش افزوده نشود، دستور ملایمت و رفق و مدارا می‌دهد. ثانیاً امر به معروف و نهی از منکر که روش و منطق دین اسلام است، با خشونت و سختی در ابتدای امر، سازگار نیست و نتیجه مطلوب را در پی نخواهد داشت؛ چرا که در این صورت، قدرت فکر کردن را از آنها (مخالفان) می‌گیرد و چه بسا خشونت با آنان، روش بسیار نامطلوب به بار آورد. البته استفاده عرفانی دیگری نیز از این آیه شریفه به ذهن خطور می‌کند که: هان ای دل، عبرت! (در این آیه درنگ کن که پیامی عام و همگانی دارد)؛ یعنی هر کس در حد خود، حامل رسالت الهی است که به حکم وظیفه، باید در انجام آن کوشا باشد؛ چرا که هر کس در نهان خود فرعون‌ی سرکش دارد که به حکم وظیفه، باید به وعظ و اندرز او بشتابد و با نرمش و حسن تدبیر او را رام سازد و به راه بیاورد. (معرفت، ۱۳۹۱ش، ۱: ۳۳)

چنانچه در مورد نرمخویی و دور بودن از خشونت، خداوند خطاب به پیامبر چنین می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس تو به لطف و رحمت الهی با آنان نرمخو شدی، و اگر درشتخوی و سختدل بودی؛ بی‌شک از اطراف تو پراکنده می‌شدند». (آل عمران / ۱۵۹) از آیه شریفه به روشنی معلوم می‌شود که زمان استفاده از قول لین، هنگام برخورد با مردم

طاغی و یاغی است که شاید با وزش نسیم قول لین، از طغیان و یاغی‌گری آنان کاسته شود و به راه حق و حقیقت باز گردند که اگر از ابتدای امر با خشونت با آنان برخورد شود، به طغیان آنان افزوده می‌گردد و نتیجه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر حاصل نمی‌شود؛ لذا اسلام عزیز تا جایی که جای جذب است؛ گرچه یک نفس بیشتر از اهل گناه نمانده باشد، در مقام جذب است. (شریعتمداری، ۱۳۷۲، ش ۴: ۷۶۴) دلیل و فلسفه دیگر چنین برخورد اسلام از نکته نظر روان‌شناسی، مساله مهمی مطرح است؛ چرا که یکی از موثرترین طرق مبارزه با دشمنان سر سخت و لجوج آن است که بدی‌های آنان به نیکی پاسخ داده شود و این جاست که شور و غوغایی از درون و وجدان آنها بر می‌خیزد و شخص بد کار را سخت تحت ضربات سرزنش و ملامت قرار می‌دهد و در مقایسه او با طرف مقابل، حق را به طرف می‌دهد و همین امر در بسیاری از موارد سبب تجدید نظر دشمن در برنامه‌هایش می‌شود و در نتیجه این کار دشمنان سر سخت، تبدیل به دوستان گرم و صمیمی می‌شوند؛ ولی ناگفته پیداست که این دستور، مخصوص مواردی است که دشمن از آن سوء استفاده نکند و آن را دلیل بر ضعف شمارد و بر جرأت و جسارتش افزوده نگردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ش ۱۴: ۳۱)

۵-۱ آثار قول لین

مفسری عالیقدر اثر مهم به کار بردن قول لین را در فراهم کردن بستر امر به معروف و نهی از منکر، معرفی کرده و در ذیل تفسیر آیه «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» می‌نویسد: در اینجا، قرآن کریم می‌خواهد مقصود از بعثت موسی (ع) را که عبارت است از بر طرف کردن غفلت فرعون از ربوبیت خداوند و بندگی خودش و

ترسانیدن وی از کیفر الهی، بیان دارد؛ لذا در دعوت مردم و در امر به معروف و نهی از منکر باید کمال نرمش و ملایمت را نشان داد تا مردم، سریع‌تر قبول کنند. گویند: در این وقت هارون در مصر بود، هنگامی که خداوند موسی را مأمور کرد که به مصر رود، به هارون نیز وحی کرد که موسی را ملاقات کند. هارون به ملاقات موسی شتافت و پس از آن که بایکدیگر مشورت کردند، به اتفاق نزد فرعون رفتند. (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ۱۶: ۳۱) و همچنین، قول لین را در دادن امید به طرف خاطی دانسته و گفته‌اند مقصود از گفتار نرم، وعده‌ای است که موسی به فرعون داد که اگر ایمان بیاورد، او را آن چنان جوان سازد که بعد از آن، اصلاً پیر نشود و پادشاهی‌اش باقی باشد تا آن گاه که از دنیا برود. (آمدی، ۱۳۶۶ش، ۱: ۶۲۷) و نیز در مورد آثار قول لین می‌توان دوست‌یابی را نام برد که بنا به فرمایش حضرت علی (ع) هر کس به نرمی و ملایمت سخن گوید، دوستیش بر مردم لازم گردد. (مَنْ لَأَنْتَ كَلِمَتُهُ وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ) (همان / ۲۶۵) همچنین فرموده‌اند: «مَنْ قَلَّ عَقْلُهُ سَاءَ خُطَابُهُ» هر کس عقلش کم باشد، سخن به زشتی و درشتی گوید (طبرسی، ۱۳۷۸ش، جامع الجامع، ۸: ۴) و این امر، موجب پراکنده شدن مردم از اطراف او و از دست دادن دوستانش خواهد بود.

۶- قول میسور

میسور از ماده یسر و در لغت به معنی سهل، آسان و نرم آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ماده یسر) و قرآن در آیه شریفه «وَإِنَّمَا تُعْرِضُونَ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا» (اسراء / ۲۸) در ظاهر، خطاب به پیامبر (ص) است؛ ولی در واقع، دستور برای همه مومنین است، می‌فرماید: «هر گاه از آنان (مستمندان) روی بر تابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت

پدید آید و به آنها کمک کنی) با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو.» چنانچه اشاره شد، میسور از ماده «یسر» به معنی راحت و آسان و نرم است؛ ولی در اینجا، مفهوم وسیعی دارد که هر گونه سخن نیک و بر خورد توأم با احترام و محبت را شامل می‌شود. بنابراین، اگر بعضی آن را به عبارت خاصی تفسیر کرده‌اند، و یا به معنی وعده دادن برای آینده گفته‌اند، همه از قبیل ذکر مصداق است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش، ۱۲: ۹۰)

مروی است که بعد از نزول این آیه، هنگامی که کسی چیزی از پیامبر(ص) می‌خواست و حضرت چیزی نداشت که به او بدهد، می‌فرمود: «يَرْزُقُنَا اللَّهُ وَ اِيَّاكَ مِنْ فَضْلِهِ» یعنی: امیدوارم خدا، ما و تو را از فضلش روزی دهد. البته این دستور عام برای همه ماست که از نظر اخلاقی در برخورد با نیازمندان در صورت نداشتن امکانات مالی، بگوییم: «بخش» یعنی اشاره به این است که آمدن تو بر ما حقی ایجاد می‌کند و از نظر اخلاقی از ما چیزی طلبکار هستی و ما تقاضا داریم که این مطالبه اخلاقی خود را بر ما ببخشی؛ چرا که چیزی که پاداش آن باشد، موجود نداریم. (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۷۲ش، ۶: ۶۳۳)

۶-۱ آثار قول میسور

یکی از مفسرین بزرگوار، اثر مهم قول میسور را در دادن امید و آرامش به مخاطب دانسته و نوشته‌اند: «منظور از قول میسور، همان سخن نرم و آسان است و در تفسیر آن گفته‌اند: «هرگاه یکی از این گروه‌های سه‌گانه (ذی‌القربی، مسکین، ابن سبیل) مقداری از مال را از تو درخواست کند و تو هم چیزی که به آنان بدهی نداشته باشی و از خدا بخواهی که هم او و هم تو را از بخشش و رحمت خود بی‌نیاز کند، در چنین حالتی، با آنان به نرمی سخن بگو، بدین ترتیب که به او وعده نیکو بده، تا در

دلش آرزو و امید برانگیزی. در حدیث آمده است: «اگر با مالتان برای مردم تلاش نکردید، با اخلاقتان برای آنان تلاش کنید». آن شاعر می‌گوید: اگر مال کمک نکند، باید سخن کمک کند.» (مغنیه ۱۳۷۸ ش، ۱۲: ۹۰)

یکی دیگر از محققین معاصر هم، اثر مهم قول میسور را بر خورد محبت‌آمیز همراه با احترام دانسته و چنین نوشته‌اند که «اگر به خاطر بدست آوردن رحمتی از جانب پروردگارت که بدان امید داری، از آن (نیازمندان) روی گردانی، پس به آنان سخنی ملاطفت‌آمیز گوی. اگر نمی‌توانید به نیازمندان کمک کنید، با آنان به نیکی سخن بگویید. مقصود از «سخن آسان و ملاطفت‌آمیز» در این آیه، «هرگونه سخن نیک و برخورد احترام‌آمیز و محبت‌آور است.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش، ۱۲: ۶۷)

برخی هم قول میسور را عام دانسته و گفته‌اند: این آیه، درباره‌ی برخورد مناسب با مردم است؛ لذا پیامبر (ص) حتی آنگاه که در انتظار گشایش و رحمت الهی بود، اگر کسی از ایشان چیزی درخواست می‌کرد که حضرت آن را نداشت، برایش دعا می‌کرد و می‌فرمود: خداوند، ما و شما را از فضل خویش روزی دهد. (اشکوری، ۱۰۹۰ ق، ۲: ۷۹)

نتیجه

آنچه در آیات و روایات پیشوایان بزرگوار اسلام در زمینه گفتار نیک و آثارش آمده است، همه برای رشد و کمال انسان و متضمن سعادت دنیوی و اخروی انسان‌هاست که در زندگی دنیوی رعایت آنها؛ سبب زندگی جمعی آرام، صمیمی، با نشاط و مسالمت‌آمیز و در آخرت رضوان الهی و ورود به بهشت عدن را در پی دارد. برای وصول به این نتایج؛ باید به یک عده اصول و ارزش‌های الهی و انسانی درگفتار و

رفتار آشنا و متعهد بود، که در این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره شده است؛ از جمله این که قول حسن باید به صورت منطقی، منصفانه، نرم و ملایم، کریمانه، پاکیزه، بلیغ و فصیح، و بر پایه حق و خداپسندانه بیان شده باشد تا مخاطبین را جلب و جذب کند و از طریق چنین نفوذی در آنان تحول فکری و سازندگی اخلاقی و اعتقادی به وجود آید. همچنین راهکارهای قرآن کریم برای کسب فضایل و مهارت‌ها در نیکو سخن گفتن؛ ذیل آثار قول حسن بررسی شده است. یکی از نکات مهم این است که در موقعیت‌ها و شرایط مختلف مخاطبان، چگونه باید با آنها سخن گفت؛ تا هم نیکو بوده و هم تأثیر لازم را در شرایط جدید داشته باشد. مثلاً در برخورد با نیازمندی که نمی‌توانیم به او کمک مالی کنیم با استفاده از کلمه «ببخش» و دعا کردن در حق او، امید و آرامش را در او ایجاد کنیم.

کتابنامه

۱. قرآن کریم؛ با ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی؛ (۱۳۹۰ش)، قم: انتشارات پیام مقدس.
۳. ابن فارس، احمد؛ (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: نشر دار صادر.
۵. اشکوری، محمد بن علی؛ (۱۰۹۰ق)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: نشر داد.
۶. آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ (۱۳۶۶ش)، تصنیف غرر الحکم، ترجمه درایتی، قم: العلوم الاسلامی.
۷. بلخی، سلیمان؛ (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. بحرانی، سید هاشم؛ (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعث.

۹. بلاغی، محمد جواد؛ (۱۴۲۰ق)، الاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۱۰. جواد آملی، عبدالله؛ (۱۳۶۴ش)، تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران: نشر رجا.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد؛ (۱۴۲۳ق)، تبیین القرآن، بیروت: دارالعلوم.
۱۲. دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۴۸ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ (۱۴۲۳ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین؛ (۱۳۸۸ش)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: نشر سبحان.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ (۱۳۸۷ش)، کتاب تفسیر مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۶. زمخشری، جارالله محمود بن عمر؛ (۱۴۱۶ق)، الکشاف، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۷. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب؛ (۱۴۱۹ق)، ارشاد الازدهان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعارف.
۱۸. سورآبادی، عقیق بن محمد؛ (۱۳۸۰ش)، تفسیر سورآبادی، تهران: فرهنگ نشر.
۱۹. شریعتمداری، جعفر؛ (۱۳۷۲ش)، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۲۰. شیرازی، سید محمد حسینی؛ (۱۴۲۳ق)، تفسیر تبیین القرآن، بیروت: دارالعلوم.
۲۱. صافی، محمود بن عبد الرحیم؛ (۱۴۱۸ق)، الجدول فی اعراب القرآن، بیروت: دارالرشید.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین؛ (۱۳۶۱ش)، الخصال، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۳. طالقانی، محمود؛ (۱۳۴۵ش)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۳۷۳ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ (۱۳۷۸ش)، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه احمد امیری شاد مهری، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۶. _____؛ (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن؛ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارحیاء التراث العربی.
۲۸. طیب، عبد الحسین؛ (۱۳۷۸ش)، الطیب البیان، تهران: انتشارات اسلام.
۲۹. قرشی، علی اکبر؛ (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مجلسی، محمد باقر؛ (۱۳۶۱ش)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد؛ (۱۳۷۷ش)، میزان الحکمه، ترجمه محمدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحديث.
۳۳. مدرسی، محمد تقی؛ (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۳۴. مصطفوی، حسن؛ (۱۳۸۰ش)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب تهران.
۳۵. _____؛ (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: نشر کتاب.
۳۶. معرفت، محمد هادی؛ (۱۳۹۱ش)، تفسیر و مفسران، قم: انتشارات تمهید.
۳۷. مغنیه، محمد جواد؛ (۱۳۷۸ش)، تفسیر الکاشف، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ (۱۳۸۵ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. مبینی، ابوالفضل رشیدالدین؛ (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: انتشارات امیرکبیر.